

تشابهات بین موافقتنامه ژنو با

قرارداد امنیتی آمریکا و افغانستان

(قسمت اول)

امیرفیض- حقوقدان

مناسبت این تحریر و موضوع آن:

قرارداد باکشورها را نمیتوان در حدیک قرارداد عادی در حقوق خصوصی قرارداد. ضروریان یک قرارداد در حقوق خصوصی متوجه یک فرد و یا افراد قرارداد است ولی قرارداد باکشورها متضمن منافع ملی است، لذا اهمیت موضوع ایجاب میکند که در تنظیم قراردادها و اساسا مداخله در آن جریان از حد اکثر بصیرت و تجربیات ممکن استفاده شود و نباید تصور کرد که حقوقدان بودن و یا خدمت در وزارت خارجه کافی برای احراز صلاحیت تنظیم قرارداد خواهد بود.

حاشیه = در تائید مطلب بالا، بمجرد اینکه متن موافقتنامه ژنو منتشر شد عده ای از آقایان عضو وزارت خارجه شاهنشاهی ایران که برخی از آنان در خارج از کشور اقامت دارند، آن موافقتنامه را یک موفقیت بزرگ خواندند و شعری هم برای تجلیل از آقای ظریف ساختند که لابد بعدا به ناپختگی خودشان آگاه شدند، مقصود این است که هر گردی گردو نیست. (پایان حاشیه)^۱

۱ - در هشتم دسامبر ۲۰۱۳ در باره شتاب آن «دیپلمات های کهنه کار!» نوشتم:

اما این دیپلمات های کهنه کار، از چه سپاس میگویند... اگر از اینکه از ایران رفع خطر شده است، اگر از اینکه به امید روزی تحریم ها برداشته خواهد شد، اگر از اینکه روزی مردم آزادی بیشتری در ایران بدست خواهند آورد، اگر از روزی که درآمد و زندگی اقتصادی مردم بهبود خواهد یافت... ولی اگر سپاس گفته اند تا عمر رژیم اسلامی را پاس بدارند، اگر سپاس گفته اند چرا که برای همیشه ایران از حق داشتن سانتریفوژ که در همه کشور های عضو ان پی تی و سازمان انرژی اتمی بین المللی رواج دارد محروم شده است، اگر از این سپاس گفته اند که دیگر جامعه بین المللی (بخوانید آمریکا) حق اینرا پیدا کرده از این پس بدون مشورت با شورای امنیت و سرخود و بدون مقدمه هر جا هر ایرادی دید دست به اسلحه شود و حمله نظامی بکند... اگر هنوز از جزییات ریز و درشت و مخربی که ممکن است در لابلای آن توافق نامه که هنوز کامل آن منتشر نشده و هر طرف امضا کننده (هفت طرف) آنرا به نوعی تعبیر و تفسیر میکند و به دیگری انتقاد دارد، چه ظلم و ستم های دیگری به ایران شده است که مشخص و آشکار نیست این سپاسگزاری دیپلمات های کهنه بسیار عجولانه و بسیار از روی شتاب بی مورد است. نه تنها بی مورد است بلکه با جرات میگویم ناشیانه است. گرچه بسیاری از این آقایان و بانوان محترم را می شناسم.... ولی ایران پیش از هر کس و هر چیزی می آید..

ویلیام تن، گفته ای دارد «شتاب روا نیست مگر در سه کار، یکی آنکه دخترزود به شوهر رود، دو آنکه میت را زود به گور بسپارند، سوم آنکه خوراک زود به پیش میهمان برند» ولی این آقایان و خانم های دیپلمات کهنه کار، هم میت را زود به گور کرده اند، هم دختر را زود به شوهر داده اند و هم خوراک زود به پیش میهمان، آنهم میهمان ناشایست و ناخوانده ای همچون رژیم اسلامی برده اند.

مهمترین منابع بصیرت و تجربه آموزی، مطالعه قراردادهائی است که بین کشورطرف قرارداد مورد نظر، با کشورهای دیگر تنظیم و مراتب اجرائی راطی کرده است.

از آنجاکه آمریکا طرف اصلی موافقتنامه ژنو است، مطالعه قراردادهائی که بوسیله آن کشورباکشورهای دیگر تنظیم شده یکی ازمنابع مهم تجربه آموزی است.

مطالعه ودقت کافی درآن قراردادها وضمایم وسیراجرائیات آن، مطالعه کننده رابه شیوه حقوقی تنظیم قراردادهای، شیطنت های حقوقی، تفاسیروسوء استفاده های احتمالی، جمله بندی ها متوالی، پنهان ساختن اهداف زیرجملات متنوع وگیج کننده وامثال آنها این آگاهی را به مطالعه کننده میدهد که رفتاروکیفیت عمل طرف دراجرای قرارداد، درحل اختلافات، حسن نیت، انعطاف پذیری وامثال آنها مجموعا تجربه نسبی برای تنظیم قرارداد فراهم شود.

بدون تحصیل این اطلاعات وتجربیات و آگاهی کامل ازمنبانی حقوقی وسیره آن، هرقدر انسان مسلط به حقوق بین الملل باشد دردائرة شیوه های حقوقی وشیطنت ها وعبارات وتفاسیرگرفتارمیشود؛ همانطورکه جمهوری اسلامی درموافقتنامه ژنو به گرداب سردر گمی افتاده است.

نزدیک ترین قرارداد ها که میتواند درجریان تجربه مایرانیان درتنظیم موافقت نامه ویا قرارداد با آمریکا بکار بسته شود، قرارداد آمریکا وعراق وقرارداد امنیتی آمریکا وافغانستان است. درست است که موضوع قراردادهای مزبور با موافقتنامه ژنو تفاوت کلی دارد ولی شیوه های حقوقی آنها وشیطنت ها ومیخ های ادعائی در آینده وتفاسیریک بعدی درموافقتنامه وقرارداد ها تقریبا همشکل هستند.

درتحریرات سابق دررابطه باموافقتنامه ژنو، قرارداد ترکمانچای وقرارداد ۱۹۱۹ معروف به وثوق الدوله و قرارداد ۱۹۲۱ تاحدوی درجریان مشابهات با موافقتنامه ژنو قرارگرفت ولی آن قرارداد ها هیچیک اهمیت موافقتنامه ژنو راندارد خاصه که زمان وموقعیت حقوقی ایران آن زمان با امروز بکلی متفاوت است، یعنی اکنون مجلس هست و آن زمان نبوده، و اگر قرارداد ترکمانچای درمسیرمشابهات قرارگرفت بمناسبت اشاره اعلیحضرت درمقام مقایسه تطبیقی بود.

بنابراین انگیزه ومناسبت این تحریرکسب تجربه ازمسیرمشابهات بین قرارداد امنیتی افغانستان وموافقتنامه ژنو است.

اگرخواننده محترم این تحریر، انگیزه این تحریر را کافی ولازم میدانند به اتفاق به تکمیل آن میرویم.

ملاحظات کلی

ملاحظات، درتشابهات بین موافقتنامه ژنو وقرارداد امنیتی افغانستان ازاین نظر مهم است که موافقت نامه ژنو با قرارداد امنیتی افغانستان که برعایت اختصارازاین پس قرارداد نامیده میشود هم زمان درمسیرتنظیم و امضا جریان دارد.

دوم اینکه در قیاس و تشابه بین موافقتنامه ژنو و قرارداد، یک طرف که آمریکاست ثابت است ولی این ثبوت در قرارداد ترکمانچای مفقود بود، و این موقعیت خاص، امر تشابه را بر مراتب نزدیک میسازد تا قرارداد ترکمانچای.

سوم اینکه طرف قرارداد و همچنین موافقتنامه دو کشور مسلمان هستند و آزادی عمل سران آن کشورها با محدودیت های خاص اسلامی روبروست.

چهارم که مهم است این است که قرارداد امنیتی افغانستان میتواند الگویی برای موافقتنامه ژنو باشد. درست است که موضوع قرارداد افغانستان و ژنو بکلی متفاوت است ولی روش حقوقی بکاررفته در قرارداد افغانستان نشانه هائی دارد که هم اکنون در موافقتنامه ژنو پیاده شده است و این میسراند که چهارچوب حقوقی موافقتنامه ژنو و قرارداد پیامد آن با قرارداد افغانستان هماهنگی خواهد داشت.

این هماهنگی نزدیک همان چیزی است که انگیزه تنظیم این تحریر تطبیقی را فراهم ساخته است.

واما بعد – تفاوت قرارداد امنیتی با موافقتنامه ژنو

قبل از اینکه وارد بحث تشابهات بشویم توضیحی درباره موقعیت حقوقی قرارداد امنیتی و موافقتنامه لازم است.

قرارداد امنیتی آمریکا و افغانستان حدود یکسال جلو تر از موافقتنامه ژنو است با این توضیح که موافقتنامه امنیتی آمریکا و افغانستان در سال ۲۰۱۱ درواشنگتن از طرف شخص کرزای به امضا رسیده است و اکنون همان موافقت نامه بصورت قرارداد جامع و کامل برای تصویب نهائی مطرح است، در حالیکه موافقتنامه ژنو در مرحله تکامل و تبدیل به قرارداد است.

نکته مهم اینجاست که موافقتنامه ژنو چه بصورت فعلی و با بصورت قرارداد درآید از منشاء همان تصریحات در موافقتنامه است نه چیز دیگری. چنانکه در قرارداد امنیتی افغانستان هم این مطلب معلوم به ذکر آمده است؛ یعنی قرارداد خارج از موافقت نامه نخواهد بود و مفصلی است از موافقتنامه مختصر.

وجه تشبه حساس

نخستین وجه تشابه ظریفی که در این مورد خود نماست این است که هم قرارداد امنیتی و هم موافقتنامه به امضای رئیس جمهور افغانستان و ایران رسیده است یعنی رعایت صراحت قانون اساسی ایران و افغان شده است، بدون اینکه قرارداد افغان و یا موافقتنامه بتصویب مجلس کشورها رسیده باشد.

در مورد امضای موافقت نامه ژنو از سوی رئیس جمهور ایران، این توجه بجاست که شیخ روحانی، وزارت خارجه و شخص آقای ظریف وزیر خارجه اش را مسئول مذاکرات و امضا از جانب خود در امضای موافقت نامه کرده است یعنی، تنها قسمت آخر اصل ۱۲۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی که میگوید «امضای قراردادها برائیس جمهور و یا نماینده قانونی اوست» رعایت شده است.

وجه اشتراک دیگر – وجود و شرط تصویب مجلس

در قانون اساسی هر دوکشور ایران و افغانستان شرط تصویب موافقتنامه بوسیله مجلس قید شده است در عین حال، هم آمریکا و افغانستان و هم جمهوری اسلامی تمایلی به طرح موضوع در مجلس کشورها ندارند.

این وجه مشترک، خامنه ای و کرزای را بر آن داشته که ترتیبی داده شود که نیازارجاع قرارداد و موافقت نامه به مجلس منتفی شود.

کرزای در این راستا به لونی جرگه متوسل شد و لونی جرگه هم لزوم امضای قرارداد را بوسیله کرزای تاکید کرد حتی بامهلت و اتمام حجت.

کرزای خواست، اجتماع دوهزار نفری از بزرگان و سران قبایل افغان را که سابقه تاریخی دارد جانشین مجلس افغانستان سازد ولی حقوقدانان افغانی عقیده دارند که پس از تصویب قانون اساسی بوسیله لونی جرگه که نقش مجلس موسسان را داشته دیگر لونی جرگه صلاحیت تصمیم گیری در امور کشور را ندارد.

عده ای هم به ذهن بسته سران قبایل و نا آگاهی از مسائل جهانی آنها استناد کرده و با توجه به سابقه لونی جرگه، که همواره تائید کننده نظرات حکومت است صلاحیت آنرا نسبت به قرارداد امنیتی رد میکنند، یکی از همان منتقدین نوشته است: «یکی از سران قبایل معروف که در اجلاس لونی جرگه رای به موافقت قرارداد امنیتی داده بود در جواب اینکه نظرتان نسبت به قرارداد مزبور چیست گفت خوبست زیرا ننوشته که آمریکا حق تبلیغ دینی دارد!»

رئیس لونی جرگه هم که ممتازترین شخص جرگه محسوب میشود در مقابل این پرسش که اگر آمریکا به تعهداتش عمل نکرد چه خواهد شد گفته «میگم بیرونشان کنند!»

به هر حال اکنون قرارداد امنیتی در مقابل مانع مجلس افغان متوقف است هر چند ظواهر امر نشان میدهد که این توقف موقتی است و با جریان افتادن روابط خاصی که بین دولت و سران لونی جرگه تجربه شده مجلس هم به موافقتنامه امنیتی با اصلاحاتی رای خواهد داد.

اما مجلس ایران و موافقتنامه

جمهوری اسلامی، لونی جرگه ندارد که بطریق کرزای عمل کند ناچار، یگراست به سراغ مجلس رفت و از آنجا که میداند و قرآن نشان میدهد (از جمله اظهارات آقای حمید رسائی نماینده) که مجلس ممکن است بکل زیر بار موافقتنامه و قرارداد پی آمد آن نرود به حيله ای قابل توجه متوسل شده است و آن حيله در دو معبره حرکت افتاده است.

معتبر نخست اینکه مجلس طرحی با یکصد امضا فراهم ساخته مبنی بر اینکه اگر آمریکا به تحریم های جدیدی مبادرت کند، دولت مکلف است که وسائل تولید غنی سازی ۶۰ درصدی را راه اندازی نماید.

این عمل که بظاهر نوعی مقاومت است، در باطن تصویب موافقتنامه وجدی بودن در رعایت آن از هر دو طرف ایران و ۱+۵ است. اگر طرح پیشنهادی وکلای مجلس مبنی بر عدم تامین حقوق ملت ایران و نیازی به بررسی مجلس نسبت به موافقت نامه ژنو بود میتوانست علانمی از مخالفت مجلس با موافقتنامه به حساب آید. در حالیکه لایحه مزبور و امضای آن، کاشف از تائید و رضایت و تامین حقوق ملت و کشور بوسیله موافقت نامه است بشرطی که آمریکا از آن موافقتنامه تخطی نکند.

بیانیه وکلای مجلس ایران سندی است قاطع برقبول موافقتنامه بدون هیچ ایراد و یا اصلاحی برآن، و اگر موافقتنامه مزبور به مجلس برود یا نرود، لااقل یکصد نماینده از ۲۲۰ نماینده که طرح مزبور را امضا کرده اند موافق با آن موافقتنامه شناخته میشوند و رای مخالف آنها جای حرف و ایراد را خواهد داشت.

حالت اجرائی و ماهیت طرح مزبور چنین است اگر آمریکا تحریم های جدیدی در رابطه با موافقتنامه اعمال نکند که درست بدون هیچ شرطی موافقتنامه پیشاپیش به تصویب مجلس بطور ضمنی رسیده است و اگر آمریکا برخلاف موافقتنامه دست به تحریم های جدیدی بزند و طرح ۱۰۰ امضائی مجلس در جریان اجرا قرار نگیرد باز واجد این اثر حقوقی خواهد بود که موافقتنامه نافذ است و شرط وارد بر موافقتنامه بوسیله نمایندگان برداشته شده است.

بنظر میآید که این معبر، زیرکانه ترین کاری است که برای دورزدن مجلس از تصویب موافقتنامه انتخاب و به اجرا درآمده است.

معبر دوم - این است که هیئتی از نمایندگان یعنی قوه مقننه در مذاکرات ژنو مشارکت خواهند داشت. معنای این عمل این است که قوه مقننه و مجریه متفقا در تنظیم و امضای موافقت نامه و شرائط اجرائی آن مشارکت داشته و حاصل تصمیم و موافقت قوه مجریه و مقننه موافقت نامه مزبور است.

آقای کوثری نماینده مجلس و عضو کمیسیون امنیت و سیاست خارجی مجلس نوشت: «تیم ناظر بر مذاکرات هسته ای با حضور سران سه قوه و مسنولان ارشد کشور تشکیل شده است. او گفت در مرحله اول مذاکرات آنطور که باید و شاید مذاکرات بنفع ایران پیش نرفت، و اکنون تیم مذاکره کننده با هماهنگی تیم یاد شده فعالیت میکنند».

اظهارات اخیر آقای کوثری که خیلی کامل تر از اظهارات سابق ایشان است نشان میدهد که مذاکرات و تصمیمات اتی در کنفرانس ژنو با حضور و همکاری سران سه قوه و مسنولان ارشد کشور بوده است. در این صورت دیگر چه نیازی به مجلس خواهد بود؟ زیرا در مذاکرات هم مجلس و هم قوه قضائیه و هم مجریه شرکت باتفاق اتخاذ تصمیمی کرده اند.

حاشیه = جالب اینجاست که هم امروز آقای عراقچی مسنول مذاکره نشست های ژنو گفت: «خبرتشکیل هیئت نظارت بر مذاکرات هسته ای ژنو بی معناست»

گرچه میتوان اظهار آقای عراقچی را تحمل برخر تو خری جمهوری اسلامی دانست زیرا اولین شخصی که از تصمیم حکومت مبنی بر ضمیمه شدن هیئتی به هیئت کنونی ایران در مذاکرات ژنو باید آگاه باشد همان آقای عراقچی است، ولی این راهم میتوان منظور داشت که، اظهارات عراقچی درست است و اساسا چنین هیئت مرکبی از سران سه قوه جمهوری اسلامی و مشارکت در مذاکرات، یک صحنه سازی برای نتیجه گیری و بی نیازی به اراده موافقتنامه به مجلس است. (پایان حاشیه)

گرچه این معابرو عبور از آنها کافی برای رعایت اصل ۱۲۵ و ۷۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی نیست ولی همانطور که لونی جرگه راهی برای فرار موافقتنامه امنیتی از مشکلات مواجهه با مجلس افغان است معابر انتخابی و ابداعی جمهوری اسلامی هم میتواند دورزدن موافقتنامه را تسهیل کند خاصه که معابر مزبور با نظر خامنه ای براه افتاده است، همانطور که لونی جرگه بنا بر پیشنهاد کرزای وارد قضیه شد.

از طرفی، جریانی که با دخالت سران سه قوه و از جمله قوه قضائیه، طی وبه نتیجه برسد دیگرچه احتیاجی بر آن وارد است: «هرچه بگنند نمکش میزنند، وای به روزی که بگنند نمک» اصالت و درستی هرچیز بوسیله قوه قضائیه قابل اثبات است و تنفیذ و دخالت قوه قضائیه در مسائل مختومه بودن قضیه است.

تفاوت واکنشها در قرارداد و موافقت نامه و یکسانی در بهانه ها

گرچه تشابهاتی بین مسیر اجرائی موافقت نامه و قرارداد وجود دارد که بخش کوچکی از آن یاد گردید ولی در آثار و واکنشهایی که نسبت به مقاومت در موافقتنامه ژنو و قرارداد امنیت افغانستان بوجود خواهد آمد تفاوت بسیار روشنی است.

خودداری از تصویب قرارداد امنیتی همانطور که آمریکا اعلام کرده سبب خروج نیروهای آن کشور از خاک افغانستان خواهد شد و در نتیجه:

- ۱- امکان بازگشت به قدرت طالبان قابل پیش بینی است.
- ۲- کمکهای نظامی و اقتصادی آمریکا به افغانستان قطع خواهد شد.

در این زمان که مسئله قرارداد امنیتی آمریکا و افغانستان مطرح است >نیروهای طالبان در طول ۲ - ۳ سال گذشته پیشروی زیادی داشته اند و حداقل ۱۰ استان از ۳۴ استان در مرز پاکستان در تصرف طالبان میباشد البته این دلیل توانمندی طالبان نیست پیشروی طالبان در حالی صورت گرفته که اصلی ترین مخالفان طالبان یعنی تاجیکها، هزارها و ازبک ها بدلیل در اشغال بودن کشورشان تمایلی به درگیری با طالبان ندارند مخالفت با طالبان را نوعی حمایت از اشغالگری به حساب میآورند.

(کنفرانس امنیت و توسعه افغانستان)

بنابراین قابل ملاحظه است که وجود قرارداد امنیتی نه تنها عامل محدود ساختن قدرت طالبان نمیشود بلکه حضور آمریکایی ها در افغانستان عامل موفقیت طالبان و پیوستگی مردم است. (اصل بنیادی)

در حال حاضر ۸۷ هزار سرباز خارجی در افغانستان حضور دارند و در سال گذشته رقم مزبور ۱۵۰ هزار بود و دیدیم که نه تنها طالبان از پای در نیامد بلکه بر قسمتهای بیشتری مسلط شد و آمریکا از سر ناچار در مقام مذاکره با طالبان درآمد. با این حقیقت، چگونه آمریکا میخواهد با ۱۴۰۰۰ سرباز بعد از سال ۲۰۱۴ امنیت و آرامش را در افغانستان برقرار کند، آنهم با قرارداد امنیتی که آمریکا خودش را از درگیری با طالبان کنار کشیده است؟^۲

اساسا بموجب تصمیمی که در همان کنفرانس امنیت و توسعه افغانستان گرفته شد؛ >در آن کنفرانس انگلیس، آمریکا، فرانسه، عربستان و پاکستان توافق کردند که طالبان را در حکومت شریک کنند. از همان زمان (سال

^۲ - از فیلم ها و مستند هایی که از افغانستان در دست است، برمی آید، ازبک ها، هزارها و تاجیک ها و برخی پشتوها در کنار طالبان با اعتقاد بر این که کشورشان به اشغال نیروهای بیگانه در آمده است با دیگر افغان ها که بازوان کمک کننده به آمریکایی ها و اشغالگران کشور های دیگر هستند موافق نبوده و آنان با اعتقاد به ملی گرایی میجنگند ولی دیگر افغان ها به اشغال بیگانه کمک میکنند. این عمل هرگز طرفداری از تروریسم طالبان بحساب نمی آید زیرا هرکسی با اشغال بیگانه و یا تجزیه در کشورش موافقت کند تنها یک عنوان بیشتر ندارد. گذشته از آن طالبان ساخته و پرداخته سیاست آمریکا در مقابل اشغال روسیه بوده است و روح ملی گرایی و دفاع از آب و خاک در آنها دمیده شده است. ح-ک

۲۰۰۹) آمریکاییها با نمایندگان طالبان در قطر وبعد در آلمان مذاکره کردند و آمریکا در همین جریان قرارداد امنیتی، طالبان را یک جنبش سیاسی می‌شناسد. این نیست مگر اینکه طالبان بهانه است برای استقرار دائم آمریکا در افغانستان.

تفاوت در واکنشها

اما عکس العمل آمریکا در رابطه با خودداری ایران از اجرای موافقتنامه بکل با عکس العمل آن کشور نسبت به قرارداد امنیتی با افغانستان متفاوت است به این توضیح، اگر قرارداد امنیتی با افغانستان امضا نشود، آمریکا کمکی راکه وعده داده است به افغانستان نمیدهد. (وعده با تعهد فرق دارد) اما در مورد خودداری ایران از اجرای موافقتنامه ژنو، آمریکا نسبت به تحریم های غیرقانونی و خودسرانه که به ایران تحمیل کرده حق پیدا میکند و به کلام دیگر، آن تحریم های یکطرفه که ایران آنها را تحمیلی و غیرقانونی میدانست و غیرقانونی هم بود، واجد مشروعیت و حقانیت میشود و از آن مهمتر ایران اجازه تحریم های بیشتری را هم به آمریکا داده است، درست مصداق «بیچاره خر آرزوی دم کرد نایافته دم دوگوش گم کرد».

اینها و بسیاری نظیر آنها نشان میدهد که قرارداد امنیتی و موافقتنامه گرچه در موضوعات مختلف هستند ولی در معنا و مفهوم در بهانه تسلط آمریکا به افغانستان و حکومت ایران اشتراک هدف دارند.

تحلیلگر فارین پالیسی در مصاحبه با شبکه خبری راشا تودی (Russia Today) اظهار داشت «مشکلات غرب با ایران بر سر برنامه هسته ای نیست بر سر نفت است، وی تصریح کرد که تمایل غرب به تسلط بر منابع انرژی از یکسو و سیاست مستقل ایران در خاورمیانه از جمله علل نگرانی غرب است».

روزنامه گاردین ۱۵ مارس (سال ۱۳۸۶) نوشت: «راهبرد آمریکا در خاورمیانه بوی نفت و سلطه رامیدهد. اهداف و اشنگتن به سرنگونی رژیم ها محدود نشده و تازیر سوال بردن اساس و بنیاد ملتها هم تسری مییابد و سیاست طراحی شده و اشنگتن تجزیه کشورهاست» (بی-بی - سی ۶ ژوئن ۲۰۰۷) ^۲

تشابه در ایجاد حق برای آمریکا

مسیر حقوقی قرارداد امنیتی افغانستان و توافقنامه ژنو مسیری کاملاً مشابه در جهت اقرار و اعتراف جمهوری اسلامی و افغانستان در جهت حقانیت آمریکا به خواسته هائی است که در قرارداد و موافقت نامه منظور شده است چراکه هم ایران موافقت نامه را در سطح رئیس جمهور کشور امضا کرده (بنماینده وزیر خارجه) و هم موافقتنامه قرارداد امنیتی را شخص کرزای در سال ۲۰۱۱ در واشنگتن امضا کرده، یعنی بر اعتراف و اقرار به حق آمریکا شده است و تنها تشریفات از قوه به فعل در آوردن بن لازم است.

تشابه دیگر - زمینه سازی

در تحریرات قبلی گفتنی هائی در رابطه با زمینه سازی برای انجام مداخله در امور کشورها به میان آمد و نمونه هائی از آن در مورد موافقتنامه ارانه شد؛ اکنون ببینیم که زمینه سازی در مورد قرارداد امنیتی افغان چگونه است:

^۲ - خوشبختانه تابحال نیت انگلستان در راستای نیت آمریکا در جهت تجزیه قرار نداشته و مرز های کشور حفظ شده است. امروز که هردو کشور به تجزیه ایران همفکر شوند تجزیه حتمی خواهد بود. شاید حضور جک استرا در روز های هفتم تا دهم ژانویه ۲۰۱۴ در جمهوری اسلامی بی ارتباط با موضوع نباشد. ح-ک

یکی از نمایندگان پارلمان افغانستان لایحه ای اعتراضی به قرارداد امنیتی افغانستان انتشار داده که باین بیت معروف ابوالقاسم لاهوتی شروع شده است:

زندگی آخرسراید، بندی درکار نیست بندی گرشروط باشد زندگی درکار نیست

در لایحه او عبارتی است که عینا به اینجا آورده میشود که با آنچه که در رابطه با موافقتنامه بوسیله ایرانیان زمینه سازی شده هماهنگی یکسان دارد.

>.... هر چند بار، طرح قرارداد و پیمان اسارت آوری مینویسند و بروی آن امضاهای دست نشاندگان خود را میگیرند تا فرادها بگویند که همه چیز برویت رسیده و وثیقه های امضا شده به انجام رسیده است. از یونس قانونی وزیر داخله آغازین روزهای اشغال افغانستان و نیز از عبدالله عبدالله وزیر خارجه آن روزها سند گرفتند که آمریکا و متحدین ائتلافی آن و ناتو اجازه دارند که بدون هیچگونه آگاهی قبلی حکومت کابل، از زمین و هوا علیه مردم افغانستان استفاده کند...<

روزنامه نیویورک تایمز در ۲۶ اوت سال گذشته مدعی شد که سازمان سیا به رئیس شورای امنیت ملی افغانستان پول پرداخت کرده و روزنامه واشنگتن پست هم از پرداخت پول به مقامات دولت کرزای خبر داد. بر اساس همان گزارش روزنامه واشنگتن پست <برخی مقامات آمریکایی نیز گروهی از مشاوران کرزای را به عنوان مهره های اطلاعاتی سیا به استخدام خود در آورده اند> (موضوعی که احتمال آن نسبت به مشاوران اعلیحضرت و افراد حکومت جمهوری اسلامی زیاد است).

(تطبیق بفرمائید با درخواست مکرر بخشی از ایرانیان خارج از کشور به تمنای کمک و حمایت از آمریکا و تحریم های سخت و سخت ایران و نیز به امضا دادن اعلیحضرت و علیاحضرت و همسر محترم اعلیحضرت به تجزیه ایران - فراموش نکنید که درخواست کمک از ناحیه افراد یک کشور علیه حکومت نوعی دعوت و اعلام رضایت به دخالت در امور کشور است و کم و کیف آن با دولت کمک کننده است نه متقاضیان کمک)

تشابه دیگر - در تهدید

در جریان فشار آمریکایی ها برای امضای قرارداد امنیتی آقای مک کی و هیئت همراهش در افغانستان صریحا گفت که <آمریکا نمیخواهد که افغانستان به سرنوشت عراق گرفتار شود> (به تحریر حد و قاحت در دخالت) رجوع شود.^۴

پس از اظهارات نسبتا تند کرزای علیه قرارداد امنیتی در جریان دیدارش با نوربرت لمرت رئیس پارلمان آلمان در کابل بلافاصله افغانستان هدف موجی از حملات گسترده تروریستها قرار گرفت.

(کرزای استراتژی غرب برای افغانستان فاجعه بوده است - آسوشیتد پرس).

تردید نباید داشت که در رابطه با موافقتنامه ژنو، آمریکا بروال سیاست بی پروائی و خشونت گرائی و قول خودشان سیاست چماق و هویج از تهدید ایران غافل نبوده و بموازات اظهارات آقای مک کی به مصداق به درمیگویم که دیوارگوش کند، دواخطار عملی به ایران داد.

نخست انفجار سفارت ایران در بیروت

سفارت ایران را در لبنان که در قسمت استقرار نیروهای حزب الله قراردادش منفجر کردند تا نشان بدهند که همانطور که عراق را بوسیله تروریست ها بعثت خودداری از قرارداد امنیت با آمریکا از پا در آورد، اجرای همان طرح برای ایران بنشانی انفجار سفارت و کشته شدن ۲۸ نفر بانضمام رایزن سفارت کاری ساده است.

جالب اینکه جمهوری اسلامی هیچ اعتراض جدی نکرد و براحتی از موضوع گذشت در حالیکه معلوم بود که عربستان نوکر آمریکا پشت این قضیه بوده است، آمریکا خوشبینی ظاهری خود را اعلام میدارد (هویج) عربستان را مامور اجرای برنامه چماق میکند بهیچوجه قابل قبول نیست که عربستان خودسرانه و بدون اجازه آمریکا به چنین اقدامی مبادرت کرده باشد.

دوم هماهنگی نمایندگان سنی در مجلس جمهوری اسلامی و عراق

که به قسمت دوم این تحریر موقوف بشود بهتر است.